

حق الحقایق

یا

شاهنام حقیقت

حاج نعمت الله بیجون آبادی

برگردان و برآورد

محمد علی سلطانی

سرشناسه: سلطانی، محمدعلی ۱۳۳۶ -

عنوان قراردادی: حق الحقایق

عنوان و نام پدیدآور: حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت / نعمت‌الله جیحون آبادی، برگردان و برآورد محمدعلی سلطانی

موضوعات نشر: تهران، شها، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۴۶۴ ص

فروست: سلسله پژوهش‌های یارسان، شماره ۱۷

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۲۵۴ - ۶۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: شاهنامه حقیقت /

موضوع: مجرم جیحون آبادی، نعمت‌الله بن بهرام ۱۲۸۸ - ۱۳۳۸ ق، حق الحقایق - اقتباس‌ها

موضوع: اهل حق، تأیید

موضوع: اندرزنامه‌های فارسی

موضوع: نثر فارسی - قرن

شناسه افزوده: مجرم جیحون آبادی، نعمت‌الله بن بهرام ۱۲۸۸ - ۱۳۳۸ ق، حق الحقایق

رده‌بندی کنگره: ۱۲۹۲، ۷، ۷ / س / / BP ۲

رده‌بندی دیویی: ۵۳۸۷ / ۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۵۷۸۸

حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت

سروده حاج نعمت‌الله جیحون آبادی

برگردان و برآورد: محمدعلی سلطانی / ناشر: نشر / ۱۰۰۰ /

نوبت چاپ: اول / چاپ و صحافی: محمد / حروفچین: لید جعفری - تهران، ۱۳۹۳ /

قطع رقعی / ۴۶۴ صفحه / نمونه‌خوان: مریم مجد / ویراستار: محمدعلی سلطانی

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۲۵۴ - ۶۲ - ۶

تهران، امیرآباد شمالی، ص، پ ۶۸۷ / ۱۴۳۹۵

تلفن: ۸۸۰۰۵۵۷۳

اشاره

کلامات یارسانی کتبخانه‌ای عظیم است که در طی هزار سال توانسته است در مسیر پرفراز و نشیب خود پایدار بماند و از سینه‌ای به سینه دیگر تجلی نماید. کلام سرانجام که سرچشمه آثار الهامی هزار مدی است در طی چند قرن نسخه منحصر بوده و در هر دور و تجدید عهدی که متون مقدس دیگر به وجود آمده است، حفاظ توانایی در ارائه و گسترش آن متون الهامی سینه و به همین جهت کلام‌خوانان در آیین یارسان جایگاهی خاص داشته و دارند. در طی دو قرن اخیر خاندان‌ها به ثبت و ضبط کلام سرانجام و همچنین دفاتر مربوط به خود ادامه بریده‌اند.

صاحب شاهنامه حقیقت که از اجله بزرگان اهل حق در بررسی آثار و اندیشه او کتابی مستقل می‌طلبد، برای این منظور می‌نویسد:

« اکثر سرزمین‌های زیستگاه پیروان اهل حق را سیاحت کرده و کلامات بسیاری فراهم آورده است. خود دیده‌دار بوده و در متون کلامی و شرح ترجمه آن تسلط و عبور تمام داشته است.» من بارها من البدو الی الختم شاهنامه حقیقت را خواندم، آثار رمزهای بی‌شماری دارد، شاهنامه حقیقت به راستی کلید کلامات یارسان بویژه کتاب مقدس سرانجام است و برای پژوهشگران این حوزه و پیروان جویا و جستجوگر یارسان

اثری ارزشمند و یگانه می‌باشد، آنچه در کلام سرانجام و سایر متون یارسان به طور اشاره و به ابهام آورده شده است و موضوع آن جز برای اهل خبره روشن نیست، حاج نعمت‌الله جیحون آبادی با ژرف‌نگری و تأمل و درک حال و آینده با بازسازی همه‌جانبه حکایات اثری ماندگار آفریده است، خود نیز می‌فرماید:

بود مقصدم از حکایات شاه
هر آنچه که بگذشته زان بارگاه
ز آن حق مختصر زان ایام
دهم شرح از روی قدسی کلام

(شاهنامه حقیقت، ص ۴۷۹، ابیات ۲/۹۳۳۱)

و در این باره حاج نورعلی الهی می‌فرماید:

«... داستان‌هایی هم که در شاهنامه حقیقت ضبط است همگی اقتباس از روایات مشهوره و متواتره کلام خواص اهل حق است که سینه به سینه تا این زمان رسیده است و مؤلف شاهنامه حقیقت آنها را جمع‌آوری نموده و به رشته نظم درآورده تا از بین نرود.» (حاج نورعلی الهی، برهنه سخن، ص ۳۹۹)

و نیز درباره نسخه‌ای که اساس برگردان حاضر است؛ آورده‌اند:

«چون برای جماعت اهل حق تاکنون کتابی که جامع آثار تاریخی و دستورات مسلکی باشد به طبع نرسیده بوده و هر چه داشته سینه به سینه به طور متفرق ضبط می‌گردیده که به همین سبب اغلب رشته مطالب از هم می‌پاشید و از نظرها فراموش و محو گشته یا به صورت دیگر درآمده است، از این رو، ایشان آنچه که امکان داشته مفاد کلام‌های بزرگان اهل حق را به استناد آثار محدوده و روایات و به جمع‌آوری نموده تا بالاخره توسط آقای دکتر محمد مکرری به طبع رسیده است. علی‌متأسفانه کتابش پس از انتشار به بنده رسید دیگر مجالی نبود تا تفسیر لازمه بر آن ملحق شود.

فقط مختصری به نام (حاشیه بر حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت) نوشتیم و منتشر شده، بنابراین اگر آن حاشیه مطالعه فرموده‌اید فیها، والا مطالعه آن خیلی از مشکلات را حل می‌کند.» (سرهان الحق، صص ۷-۲۵۶)

در مطالعه این کتاب منیف بسیاری از واژگان در مطالعات اولیه تکراری می‌نماید از جمله واژگان (ایام، زمان، شمار، اوصاف، سجود، پروانه، هر دو سر، رخشنده جام، اساس و...) همین و نشان همه اصطلاحاتی هستند که در تفسیری روشن و مبسوط بر متن شاهنامه حقیقت آشکار می‌شود که ناظم مؤلف به درستی هر واژه‌ای را در جای خود به کار برده و به بیان زیباترین موضوع امری سهل و ممتنع را بر متن هموار ساخته است و چون به نظر ناظم مطالب به این امر پرداخته و تحمیل در آثار منظوم موجب سخت و ثقیل شدن متن و عدم روانی برای خواننده می‌شود، این مشخصه شامل متن اصلی (کتاب سرانجام نه‌سخت و واقع روح کلامی سرانجام در شاهنامه حقیقت سازی و جاری است. از آن کتاب مقدس سرانجام و تفسیرهای کلامی ادواری آن به زبان اورامی (کردی که) می‌باشد برگردان آنها به هر زبان و گویش دیگر، زمینه‌هایی لازم دارد که حتی مقدمه آن در این عصر مفقود است و نیز مطالعه و بررسی تمام آنها نیز در حوصله زمان و مکان مسان نیست و هر چه هم تلاش گردد، عשרی از اعشار و یکی از هزار خواهد بود و الا به روزگار میسر نخواهد شد که به امید آن روز!

اما دیده‌داران آینده‌نگر و خردمند در طی یکصد سال اخیر به برگردان مختصر و مفید و پرمعنای کلامات به زبان فارسی دست زده‌اند و این امر نخستین بار به هانسان آتش بگی که جامع‌ترین نسخ دوره‌های کلامی را در اختیار دارند، به نام تذکره می انجام گرفته است و اما نسخه مزبور برای استفاده پیروان ترک زبان و لر و عرب و کرد

خاندان محترم و مبارک آتش بگی به فارسی تألیف شده است و سایر خاندان‌ها را در بر نمی‌گیرد. چنان می‌نماید که کلام‌خوانان و کلام‌دانان خاندان‌ها، با تصمیمی خردمندانه بر این شیوه برگردان به فارسی در نظر داشته‌اند که با تشکیل هیأتی از خبرگان، کتابی اعتقادی را که ضروری و مقبول و مطلوب برای پیروان سایر نقاط باشد، تألیف و نسخه‌های اصلی را که اکثریت قریب به اتفاق به زبان کردی و اندکی ترکمنی و از دسترس عموم قرار دهند تا بازار بلیشوی امروز و تکثیر یک جانبه موجب تشنگی آراء و عقاید پیروان نگردد که متأسفانه رعایت نگردید و دقت و تأملی در خردورزی و اندیشه‌ی پیشینیان نشد. به هر حال برگردان به فارسی توسط خبرگان دیده‌دار جز منافع زیاد تشکیک‌کننده مرزهای مدارسته آیین ژرف پوی یارسان و نجات آن از بن‌بست کرم‌نوی و ... من مطالب و مواضع آن به گوش جهانیان بوده است. تا آنجا که هانری گربن فی‌موقت اسلام‌شناس مشهور درباره شاهنامه حقیقت می‌گوید: شاهنامه حقیقت کتابی چون کتاب مقدس (عهد عتیق، عهد جدید) می‌باشد.

چون در ارتباطات فرهنگی اخراج‌جامعه‌علیان در سراسر جهان بویژه در عراق و ترکیه و افغانستان و حتی ایران را نیازمند به منابع بیدم که جامع و مانع در تاریخ و اندیشه و ارکان و آداب یارسان و آینه تمام‌نمای کلام به تمام باشد و توسط شخصیتی صاحب صلاحیت در این حوزه تألیف شده باشد، به اطلاع آگاهی و بررسی و غور در تمام کلامات و دفاتر خاندان‌ها که نسخ آن را در اختیار مردم از حمایت مسندنشینان خاندان‌ها نیز در زیارت و مجاورت کلامات مقدس برخوردار است و مستم و در تسلط به زبان کلامات نیز از چکیده‌های اثری و کسبی می‌باشم، اثری جامع مانع چون شاهنامه حقیقت که جنبه همگانی داشته باشد، نیافتم. اما این تألیف منجر به سبب این که از متون منظوم بود، برگردان آن به سایر زبان‌ها امری دشوار می‌نمود و برای

مترجمان که باید هم زبان مبدأ و مقصد را می‌دانستند و هم ادیب و شعرشناس و آگاه به اصطلاحات اعتقادی می‌بودند، برگردان آن سخت و صعب می‌نمود، بنابراین سعادت آن را یافتیم که برای چندمین بار سر در سینه این کوهسار هموار ناهموار بگذارم و آن را به نثر برگردانم.

در برگردان نثر، بیت به بیت را به نثر درآورده‌ام و حتی یک بیت را از قلم نینداختم. چون در انشایم که قصد و منظور مؤلف و ناظم بصیر چه بوده است جز از عبارات و اصطلاحات خردم در برگردان استفاده نکرده‌ام و توضیحات لازم را در داخل کروشه قرار داده‌ام. سینه تغییر در عناوین مطالب و املاء تیتراها داده نشده است.

این متن درک مصطفی از شاهنامه حقیقت نیست بلکه مطابقت کلی، کمی و کیفی با متن اصلی دارد و در واقع متن کتاب را با تغییر ساختار از نظم به نثر درآورده‌ام. امیدوارم که این تلاش مسیر را به نثر برگردان این متن به زبان‌های مختلف و حتی گویش‌های مختلف هموار کرده باشد تا به صاحبان اندیشه دیرینه سال به نیت صادق صاحب اثر به سمع اهل حال برسد و پیروان سبوی سایر ملل و جویندگان جهان ادیان و مذاهب را به کار آید. آمین.

محمدعلی سلطانی

۱۳۹۱ - تهران - تهران